

# تأثیر نگرش مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

رقیه بیگ زاده<sup>1</sup>

## چکیده

درک و فهم حقیقت انقلاب اسلامی، کار ساده‌ای است؛ اما هر ساده‌ای را نمی‌توان به سادگی بیان کرد. برای راه یافتن به میدان این حقیقت به زمان نیازمندیم. اسلام و - با تأکید پردامنه‌تر - تشیع، در ساحت فلسفه تاریخ، فرایند تمدن‌سازی و ایستگاه آخر جهان، تصویری توان‌مند، غایتخواه و آرمان‌گرا را در اندیشه مهدویت به رخ همگان کشیده است؛ اما این اندیشه در طول تاریخ با هول و هراس‌های بسیاری آمیخته شده و بعضاً با اجمال و اهمال به مهجوریت کشیده شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، آموزه مهدویت که در گرداب حوادث روزگار، مورد غفلت و کوتاهی قرار گرفته بود، به بطن زندگی مسلمانان آورده شد. نگارنده در این مقاله می‌کوشد، میزان تأثیر مهدویت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه‌ای تالیف شده است.

کلیدواژه: مهدویت، انقلاب اسلامی، انتظار، سیاست خارجی.

## مقدمه

---

<sup>1</sup> طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی فاطمه الزهرا اطهر (س)

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که سبب تغییرات و تحولات فراوان در کشورهای منطقه و نیز ساختار قدرت جهانی شد. این تأثیرگذاری به طور عمده در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر دینی در کشورهای اسلامی - به ویژه جوامع شیعی - قابل مشاهده است. انقلابی که دقیقاً بر خلاف جریان سیلاب‌گونه تاریخ به پیش رفت و در عصری که دین و معنویت را در ردیف جادو و خرافات بر می‌شمردند، ایمان به غیب را به صحنه روزگار آورد، شایان ارزیابی و تحلیل دقیق است. امروز بیش از هر زمان، به درک و فهم حقیقت این تحول بزرگ نیازمندیم. این نیاز با گذشت روزها بیشتر می‌شود. گریز از ظاهرگرایی و رفتن به سوی حقیقت، استحکام بخشیدن به تفکری است که خودآگاهی را برای ما به ارمغان می‌آورد. اگر آثار انقلاب اسلامی را از منظر تحولات فکری و توسعه اندیشه‌های دینی، اجتماعی و سیاسی مورد تعمق قرار دهیم، بدون شک بارزترین اثر را در حوزه اندیشه‌های دینی مشاهده خواهیم کرد. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت دینی در ایران، انگیزه‌ساز کاوش در مبانی ایدئولوژیک اسلام شده است. ضرورت بررسی نقش انقلاب اسلامی در تغییر رویکرد به اندیشه مهدویت بر اهل اطلاع، پوشیده نیست. با وجود اینکه آموزه مهدویت، ماهیتی درس‌آموز دارد، در طول تاریخ، این آموزه در حیات سیاسی اجتماعی شیعیان کم‌رنگ یا به عبارتی دچار تحریف و انحراف شد؛ به گونه‌ای که به آموزه‌ای فرعی و عزلت‌نشین مبدل گشت؛ ولی در روند انقلاب اسلامی، نگرش عمومی شیعیان به این آموزه تغییر کرد و به آموزه‌ای کارساز و رهگشا تبدیل شد. شاید وقوع انقلاب اسلامی را بتوان نقطه عطفی در نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان اسلام‌شناس دانست که بسیاری از آنان را به بازاندیشی در نظریه‌های خویش در باره آموزه مهدویت واداشت. در این نوشتار، فرض بر این بوده که اندیشه مهدویت در جایگاه یک سرمایه عظیم، نقش مهمی در تحولات اجتماعی دارد؛ از این‌رو، برای نشان دادن صحت این استدلال، تلاش می‌شود نشان داده شود: 1

. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت داشته است؟

## 1. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

### 1-1- انقلاب

انقلاب کاربردهای مختلف دارد؛ مانند انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی و انقلاب فکری؛ ولی در این نوشتار، انواع خاصی از واژگونی‌های بزرگ در جوامع بشری مورد نظر است. انقلاب در معمولی‌ترین معنای آن، تلاش برای ایجاد تحول بنیادین در سیستم حکومت است.<sup>1</sup> یا به گفته گلدستون، تسخیر غیر قانونی و معمولاً خشونت آمیز قدرت است که موجب تحول اساسی در نهادهای حکومت می‌شود.<sup>2</sup>

هانا آرنت نیز انقلاب را دگرگونی به معنای آغازی تازه می‌داند که خشونت در آن برای رهایی از ستمگری به قصد استقرار آزادی است.<sup>3</sup> تصاحب رسمی قدرت، از اجزای ضروری فرایند انقلاب است. در واقع آنچه رخ می‌دهد، آن است که گروه حاکم، توسط گروهی دیگر ساقط شده، راه را برای تحولات سیاسی و اجتماعی بیشتر باز می‌نماید. به رغم وجود تشابهاتی با تعاریف فوق، انقلاب اسلامی ایران خارج از مدار سرمایه‌داری غرب و سوسیالیسم شرق رخ داد. پیش شرط‌های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی<sup>4</sup> به تسریع روند انقلاب اسلامی ایران کمک کرد و برخی از عوامل داخلی و خارجی، موجب پیروزی آن شد.

به طور کلی، انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: انقلاب اسلامی، عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و

<sup>1</sup> لاکویر، انقلاب، ص 91.

<sup>2</sup> گلدستون، ص 82.

<sup>3</sup> آرنت، انقلاب، ص 47.

<sup>4</sup> عنای، انقلاب اسلامی، مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی، ص 44.

نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت که بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم صورت می‌گیرد.<sup>1</sup> این پدیده، با توجه به میزان و نوع تغییراتی که به ویژه در داخل کشور - پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی قابل تفکیک است. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور<sup>2</sup>

انقلاب اسلامی ایران، به گفته اندیشمندان این حوزه در شمار انقلاب‌های اجتماعی جای دارد؛ زیرا از یکسو، سبب تغییر در اساس و نوع حکومت شد و از سوی دیگر به تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در ابعاد داخلی و خارجی انجامید. 2. مفهوم نگرشی

صاحب نظران، مطالعه نگرش<sup>3</sup> را برای درک رفتار اجتماعی، حیاتی می‌دانند. آنان معتقدند که نگرش‌ها تعیین کننده رفتارها هستند و با تغییر نگرش‌های افراد می‌توانیم رفتار آنان را پیش‌بینی یا کنترل کنیم. در باره نگرش تعریف‌های بسیار متعدد و متنوعی انجام شده است؛ عده‌ای آن را سازمان بادوامی از باورها حول یک شیء یا موقعیت می‌دانند که فرد را آماده می‌کند تا به صورت ترجیحی برابر آن، واکنش نشان دهد. برخی معتقدند نگرش، نظام بادوامی از ارزشیابی‌های مثبت یا منفی، احساسات عاطفی و تمایل به عمل مخالف یا موافق یک موضوع اجتماعی است.<sup>4</sup>

مفهوم نگرش از طریق تحلیل آن از سه جزء متفاوت تشکیل می‌شود: 1. جزء شناختی که مربوط به عقیده‌های گوناگون و آگاهی افراد در باره یک موضوع است. 2. جزء عاطفی (احساسی) که شامل احساساتی است که بر اثر رویارویی با یک موضوع در شخص، برانگیخته شده و ارزشیابی را از آن موضوع مشخص می‌کند. 3. جزء آمادگی برای عمل (رفتار) است که شخص در برخورد در باره

<sup>1</sup> زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص 21-22.

<sup>2</sup> جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص 14.

<sup>3</sup> افتخاری، آرمان‌های انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)، ش 12.

<sup>4</sup> کریمی، نگرش و تغییر نگرش، ص 3-8.

موضوع مورد نظر به گونه معینی رفتار می‌کند.<sup>1</sup> نگرش‌ها دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند؛ ولی به هر حال، امکان تغییر آن‌ها وجود دارد؛ برای مثال، نگرش شیعیان در طول غیبت صغری و ابتدای غیبت کبری به مسأله غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نگرشی حدیثی بوده است؛ اما طولانی شدن غیبت امام دوازدهم، سبب شد علمای امامیه با روش‌های کلامی و استدلال عقلی، نگرش شیعیان به این موضوع را تغییر دهند.

آنان در این کار، با بهره‌گیری از دو اصل «ضرورت وجود امام در هر دوره» و «عصمت امام» قاعده لطف را بنا نهادند. بر اساس این قاعده بر خداوند است که از راه لطف بر بندگان خود، امامانی را میان بندگان گسیل کند تا راه و رسم صلاح و معاد و معاش را به آنان بیاموزد.<sup>2</sup> قاعده لطف، بنیاد نظری لازم برای تغییر نگرش به مسأله «غیبت» را در اندیشه شیعه استوار کرد. در روان‌شناسی اجتماعی، موضوع تغییر نگرش، در چارچوب چندین الگو بررسی شده است. هاوَلند از نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است که تقویت‌کننده‌های ارائه شده برای متقاعد کردن تغییر نگرش، باید قوی‌تر از تقویت‌کننده‌هایی باشند که وضع موجود را حفظ می‌کنند. از دیدگاه وی، تغییر نگرش، مبتنی بر چهار عنصر است که سبب متقاعد شدن شخص پیام‌گیر یا به عبارتی تغییر نگرش او می‌شود. این عناصر عبارت‌اند از:

### 1. منبع ارائه پیام (پیام رسان)

این که چه کسی رساننده پیام است، ممکن است به اندازه خود پیام، دارای اهمیت باشد. هر قدر نیز منبع پیام، قابل قبول‌تر باشد، احتمال تغییر نگرش بیشتر خواهد بود. شباهت منبع پیام به مخاطبان نیز تأثیر بیشتری بر تغییر نگرش خواهد داشت؛

2. ویژگی‌های پیام: شیوة انتقال پیام یا رسانه انتقال پیام، تأثیر بیشتری بر تغییر نگرش خواهد داشت؛

3. زمینه‌ای که پیام در آن زمینه عرضه می‌شود؛

<sup>1</sup> شیرکوند، شکل‌گیری و تغییر نگرش، ص 17.

<sup>2</sup> گلپایگانی، امامت در بینش اسلامی، ص 76.

است که در موضع‌گیری و اقدام یک مسلمان، نقش اساسی ایفا می‌کند. غایت حاکمیت امامان معصوم علیهم السلام استقرار کامل عدالت در جامعه بوده است. پس اگر انتظار به تحول خواهی و انقلاب‌زایی تفسیر شود، هر حرکت و تحوّل مطلوب نیست؛ بلکه تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه‌ساز ظهور حجت الهی باشد. مرحوم امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند.<sup>1</sup>

از دیدگاه امام خمینی(ره) پدیده ظهور، یک رخداد فوق‌العاده و بی‌نظیر تاریخ بشریت به شمار می‌رود؛ ولی هرگز یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور، برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است.

اگر نهضت و انقلابی از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حدّ اعلای توانایی باشد، ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش‌های اجتماعی کامل نباشد، طبیعی است که نهضتی موقت است و به نتیجه عمیق نمی‌رسد.<sup>2</sup> حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اصلاح یک اجتماع محدود و در یک زمان موقت ظهور نمی‌کند. آن مأموریت الهی که حضرت برای آن، ذخیره شده است، دگرگون کردن همه جهان در همه ابعاد است. او باید تمام بشریت را در گستره جهانی از تیرگی ستم‌های بشری خارج کرده و در پرتو نور عدل قرار دهد. اجرای این نهضت بزرگ، علاوه بر قدرت خدادادی و ولایت تکوینی امام معصوم علیه السلام نیازمند فضای مناسب و محیط آماده‌ای است که به طور طبیعی در جهان تحقق یابد. تحولات جاری در عرصه بین‌الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج

<sup>1</sup> خمینی، صحیفه امام، ج 18، ص 269.  
<sup>2</sup> صدر، انقلاب مهدی و پندارها، ص 64.

وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان به ویژه دنیای غرب مؤید این واقعیت است که امام خمینی(ره) با هدایت و رهبری بزرگترین انقلاب مردمی در واقع، آغازگر کوشش در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. آن عالم مجاهد، در باره وظایف حکومت و مسلمانان در ایران و دنیای اسلام فرموده است: ان شاء الله اسلام را آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا فداه<sup>1</sup> آن مرحوم در پیامی، ارتباط بنیادین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیار زیبا و دلنشین چنین بیان می‌کند: انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.<sup>2</sup> (امام خمینی(ره)، 1378: ج 21: 327). مرحوم امام خمینی(ره)، صدور انقلاب را برای هموار کردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان، وظیفه خویش دانسته، در پیامی می‌نویسد: ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداه هموار می‌کنیم.<sup>3</sup>

## نتیجه گیری

<sup>1</sup> خمینی، صحیفه نور، ج 15، ص 262.

<sup>22</sup> خمینی، صحیفه امام، ج 21، ص 327.

<sup>3</sup> همان، ص 345.

در این مقاله به آنچه که گفته شد به این نتیجه دست یافتیم که یکی از نتایج پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نشان دادن تحرک و کارآیی مکتب اسلام در عصر حاضر به جهانیان بود. در حالی که همه مدل‌های توسعه و مدرنیسم در بستر دنیای محض و جدای از ارزش‌های اخلاقی و دینی، تحقق یافته بود، انقلاب اسلامی توانست اسلام را به عنوان مکتب مبارز و در تمام شؤن حیات بشری تا برپایی حکومت واحد جهانی مطرح کند. آنچه در این عصر، انسان معنویت خواه و خداجو در جست و جوی آن است، گوهر ارزشمندی است که تنها در ساحت قدسی آموزه‌های اسلامی قابل وصول است؛ از این رو جریان معنویت خواهی و دین‌گرایی عصر حاضر، ناچار به رستاخیز جهانی اسلام خواهد انجامید. بدون تردید با مراجعه به تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی، می‌توان به وضوح به وجود یک تصوّر و اندیشه مشخص مهدوی پی برد که در نظر و عمل، با پیش از انقلاب متفاوت است. انقلاب اسلامی، نه تنها تحرک‌زایی و پویایی را در انتظار به همگان آموخت؛ بلکه این تحرک‌زایی و انقلاب‌زایی را با سازوکارهایی کاملاً منسجم و هماهنگ در راستای زمینه‌سازی ظهور مفید می‌داند. عینیت یافتن تحول‌طلبی آموزه مهدویت پس از آن است که توده مردم و نخبگان به این فرهنگ معتقد و ملتزم شده باشند. همین جا دو مطلب باید تأکید شود؛ یکی نقش توده مردم در کارآیی مکتب و فرهنگ مهدوی است که بدون خواست و باور آنان و بدون رویکرد مثبت و اقبال آنان به فرهنگ و اندیشه مهدوی، هیچ تحول مؤثر و ماندگاری شکل نخواهد گرفت. دیگر آن که برای روی آوردن و اعتماد یک نسل به اسلام و آموزه های آن، شرایط فرهنگی و اجتماعی و نیز تجربه های تاریخی یک جامعه، بسیار نقش آفرین است. جنبش های معاصر اسلامی غالباً مسبوق به تجربه ای تلخ میباشند که چشیدن طعم شکست در تلاش برای ایجاد تحول بر مبنای غیر اسلامی و بنا به اعتقاد به آموزه های شرقی یا غربی، زمینه تامل در عوامل شکست و روی آوردن به اسلام را فراهم کرده است.

## منابع

1. آرنت، هانا، **انقلاب**، ترجمه: عزّ الله فولادوند، تهران، خوارزمی، 1361ش.
2. افتخاری، اصغر، «آرمان‌های انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)»، اندیشه حوزه: ش12، بهار 1377ش.
3. امام خمینی، روح الله، **صحیفه نور**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، 1380ش.
4. امام خمینی، روح الله، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، 1378ش.
5. جمعی از نویسندگان، **انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن**، قم، دفتر نشر معارف، بیست و چهارم، 1381.
6. شیرکوند، شهرام، **شکل‌گیری و تغییر نگرش**، توسعه مدیریت، شماره: 57، 1383.
7. صدر، محمدباقر، **انقلاب مهدی و پندارها**، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1384.
8. کاظمی وریج، عباس، «امام خمینی(ره): احیای دین و نظریه ولایت مطلقه فقیه»، حوزه و دانشگاه، ش30، بهار 1381ش.
9. کریمی، یوسف، **نگرش و تغییر نگرش**، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، 1379ش.
10. گلدستون، جک، **انقلاب‌ها**، ترجمه: محمدتقی دلفروز، نشر: کویر، 1400.
11. لاکویر، والتر، **انقلاب: گزیده مقالات سیاسی - امنیتی**؛ ترجمه: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، تهران، بینش، 1378ش.
12. عنایتی، حمید، «**انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی**»، ترجمه: امیر سعید الهی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش137 و 138، بهمن و اسفند 1377ش.

13. حافظ نیا، محمد رضا؛ احدی، سید عباس، «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شعیان جهان»، شیعه شناسی، ش25، بهار 1388ش.

14. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، کتاب سیاسی، 1367ش.

15. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، قم، بوستان کتاب، 1386.